

نامه‌ای درباره

فرهنگ معاصر عربی - فارسی

سردبیر محترم نشریه «مقالات و بررسیها» جناب استاد دکتر آذرنوش، احتراماً: پس از دیدن فرهنگ معاصر عربی - فارسی که به همت خود شما پا به عرصه وجود گذاشته است و پس از مدتی استفاده از آن، مزایای فوق العاده‌ای در آن یافتیم که مرا ملزم نمود طی نامه‌ای کوتاه و ساده گوشه‌ای از آن‌ها را ذکر کنم، مراتب تشکر خود را نیز به جنابعالی اعلام نمایم. این فرهنگ حقیقتاً در ترجمه متون معاصر یار و مددکار عربی خوانان و خصوصاً دانشجویان است و می‌توانم ادعا کنم که معادل‌هایی که برای برخی از اصطلاحات عربی یافته‌اید، به راستی پاسخگوی نیاز هر مترجم یا عربی‌خوان است. من اینک برای آن که عرایضم روشنتر شود، دو مثال نقل می‌کنم:

۱- در زمان دانشجویی، مدتی در جستجوی یافتن معادل مناسبی برای «استعرض، يستعرض» بودم و با مراجعه به کتاب‌های مختلف، جز به «در خواست عرضه کردن» و معادل‌هایی از همین قبیل بر نمی‌خوردم، لذا همواره ترجمه جملاتی چون «استعرض وزير الخارجية الحالة الراهنة في المنطقة» برایم بگرنج بود و هر چند به کمک قرینه و سیاق جمله حدس می‌زدم که واژه مورد نظر در چنین جمله‌ای باید معنای «بررسی کردن، تشریح کردن» را افاده کند و هر چند که مشکل این‌گونه موارد با توجه به اساتید حاذقی که در خدمتشان بودم برایم حل می‌شد، اما اگر شخصی عربی‌خوان، دسترسی به استادانی ماهر نداشته باشد نمی‌تواند تنها به حدس خود تکیه کند و ناچار وی، تا زمانی که حدسش توسط یک فرهنگ معتبر تأیید نشود، خیالش راحت نخواهد شد.

۲- همچنین یافتن معادل مناسب برای «لا عليك» در جمله‌ای چون «ابتسم مجید و قال: لا عليك يا حميد... سأعالج نفسي بنفسی» نیز از همین مقوله است، زیرا باز هم

خواننده باید معنای «لا عليك» را حدس بزند، اما امروز با مراجعه به فرهنگ شما این گونه مشکلات حل می‌شود و اینجانب معادل‌های دقیق «بررسی کردن» را برای «استعرض، يستعرض» و «نگران نباش» را برای «لا عليك» در فرهنگ معاصر یافتیم. از دیگر مزایای مهم این فرهنگ، وجود تعداد زیادی اصطلاح و ترکیب کنایی است که با معادل‌های فارسی مناسب، دغدغه‌افزادی را که با متون مختلف و خصوصاً متون معاصر سر و کار دارند به حداقل خود می‌رساند یا به کلی رفع می‌کند. چند نمونه زیر، از جمله آن اصطلاحات و ترکیبات است:

و ما هو الآن + فعل ماضی: بی‌درنگ ...، آن‌گاه ...

لم یکد ... حتی ...: هنوز نه ... که ...، به محض اینکه او ... او ...

أَللَّهِمَّ اِذَا: دست کم اگر ...، اگر فقط.

ذکره سار به الرّکبان: آوازه و زبانزد خاص و عام است.

أطلق الحبل علی الغارب: اختیار تام به (او) داد.

لا يُشَقُّ غبارُهُ (لا يُشَقُّ لَهُ غبارٌ): کسی همسنگ او نیست، کسی به گرد پای او

نمی‌رسد.

در پایان لازم است یادآور شوم که موارد ذکر شده فقط اندکی از کثیر بود و مسلماً عربی‌خوانان و خصوصاً دانشجویان جوان با استفاده از این فرهنگ مزایای بیشتری در آن خواهند یافت و شور و نشاط بیشتر پیدا خواهند کرد و به این زبان زنده و زیبا که حامل وحی الهی است، علاقه‌مندتر خواهند شد.

امیدوارم که این فرهنگ با تحولات لغوی و پیدایش اصطلاحات نو در زبان عربی همگام شود و آن تحولات را در چاپ‌های بعدی در خود جای دهد و همواره فرهنگ معاصر و روز آمد باقی بماند.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

سعید ملکوتی